

انفراد رژیم

توس روز افزون رژیم محمد رضاشاهی از خلق بهترین دلیل ماهیت ضد خلقی او در زمین بودن اصلاحات او و چون و چه و با او رژیم محمد رضا شاه روز بروز بر نفرت و مهملات ارتش و زلند امری و پلیس میافزاید . تحت تعلیم دستگاه جاسوسی آمریکای سازمان امنیت را باشبکه های گسترده آن دایر کرده ، در هر ادارای ، کارخانه و کارگاهی افرادی را بخدمت این سازمان در آورده است . هزاران نفر را بنام سپاهی دانش ، ترویج ، و غیره بروسناها فرستاده و بانها مأموریت نظارت بر گفتار و کردار دهقانان داده است . جوخه های اعدام را بقالیتهای بی سابقه واداشته و هر روز با صغیر گوله بگوش مردم ایران فریاد " خاموش باش " میزند . اعتصابات و نماینده ها را بخون میکشد و قلمها را بزنجیر . معدنک هر نفسی که بر میآورد همراه با تشویش است و حس میکند که حصاریکه بدور خود کشیده از هر طرف در معرض حمله نیروهای انتقام جو است . دربار ایران برای محافظت کاخهای خود لشکر خاص بنام " لشکر گارد مردمی " بزرگ کرده " گارد مردمی " که در فروردین ۱۳۴۴ بروی محمد رضاشاه در کاخ وی آتش کشود . از اینجهت اعضا دربار علاوه بر پاسداران لشکر گارد هرگرم برای خود " جان پناهان " خاص دارند و دیگر افراد خاندان سلطنتی بندرت با اتومبیل اسکورت ناز حرکت میکنند بلکه در فاصله شهرها هواپیما و در داخل شهر هلیکوپتر را ترجیح میدهند . ساختمان فرودگاه هوایی کاخ سعد آباد بمنزله روزنه گریز ساخته شده است . از چند سال پیش قدغن کردند که استقبال کنندگان حق ندارند دستگل های خود را در قدم افراد خاندان سلطنتی بیفکنند بلکه باید آنها را قبل بر سر راه بچینند . خاندان " محبوب " سلطنتی میرسد که مبادا دستهاییکه برای پرتاب دسته گل بالا میروند " از شدت علاقه " بجای دسته گل و یا داخل دسته گل نارنجک نثار کنند . در تیرماه اسامیل قانونی بتصویب مجلس رسید چنانکه از آنکه " در شرکت ملی نفت ایران سازمانی بنام " گارد نفت " تشکیل میشود و افراد سازمان مذکور در موقع نگهبانی ادارای و وظائف و اختیارات و مسئولیتهای خاصین نظامی . . . و از لحاظ مقررات انضباطی کفایتی مشمول قوانین و آئین نامه های نئی های مسلح شاهنشاهی خواهند بود . " هدف این سازمان عبارتست از " حفاظت با سیاست و اموال و اسناد صنعت نفت " . در واقع با تشکیل این سازمان بخش دیگری بر بخشهای قوای مسلح رژیم ایران افزوده شده است . این سازمان میخواهند " تا سیاست و اموال و اسناد صنعت نفت را محافظت کنند . ولی از دستبرد چه کسی محافظت کند ؟ از دستبرد امیریا . لیستها ؟ آنها که خودشان مالک واقعی و متصرف علی التام . سیاست و اموال و اسناد صنعت نفت اند . از دستبرد دروغ و چاقو کمان ؟ آنها که عموماً از این تا سیاست و اموال و اسناد نمیتوانند بسنبرهای برتر آرزو . وانگهی آنها بوسیله شهرت بانوی و مؤسسه شعبان جعفری (طبق به تاجبخش) همگی در زیر پرچم دربار فعالیت میکنند . کاملاً روشن است که این سازمان مسلح را بوجود آورده اند تا تا سیاست و اسناد و اسناد نفت را بخاطر منافع و مصالح امیرالیستها و دستیاران ایرانی آنها از خطر قیام خلق ایران پاسداری کنند . این طرح هیئت حاکمه ایران مبنی بر تخیل نیست بلکه ناشی از عقاوت روز افزون خلق در برابر غارت روز افزون امیرالیستی است . چندی پیش همین فکر در مورد مراکز برق بخاطر رژیم ایران رسید منتهی چون این رشته اهمیت کمتری داشت کار را بتشکیل سازمان حفاظت نگشاندند خوبه خرید سگهای محافظ برای مراکز مذکور اکتفا کردند .

سمیهای تابناک جمهوری توده ای چین

اول اکبر اسامیل بیست و سه سال از تاسیس جمهوری توده ای چین گذشت . انقلاب اکبر چین تاسیس جمهوری توده ای چین برهنگر آموزگار پرلتاریای جهان رفیق مائوتسه دون ، بزرگترین حادثه تاریخی پراز انقلاب اکبر و تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برهنگر نین کبیر بود و تناسب قوا را در عرصه های سوسیالیسم و صلح تغییر داد . و امروز جمهوری توده ای چین مرکز انقلاب جهانی ، در تسخیر ناپدید سوسیالیسم و مافع نیرومند خلقهای جهان است . پیروزی های شکست انگیز جمهوری توده ای چین در ساختمان سوسیالیسم و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا ، و بویژه انقلاب کبیر فرهنگ پرولتری که برهنگر شخص رفیق مائوتسه دون انجام گرفت و راه تازه ای را بروی طبقه کارگر جهانی و خلق های شیفته رعایتی کشودامید و مهر خلق ها را بسوی جمهوری توده ای چین کشاند است . امروز جمهوری توده ای چین بآندرجسه از تفوق و اعتبار رسیده که هیچ مسئله مهم جهانی بدون شرکت او حل نمیشود . منظره سیاحت خارجی که جمهوری توده ای چین طی بیست و سه سال باوفاداری پیخته به اصول انترناسیونالیسم پرولتری دنبال کرده بسیار آموزنده و دلگرم کننده است . پس از آنکه جمهوری توده ای چین بعنوان ثمره جنگ طولانی و سرشار از قهرمانی خلق چین با بعرضه گذشت امیرالیسم و ارتجاع از پائین نشینند برای مختنق ساختن وی به وسیله دست زدند . امیرالیسم آمریکا عامل خوش چنانگیشک را در بخشی از خاک چین یعنی جزیره تایوان نشانید و آنرا بمرکز تحریکات و به پایگاه تجاوز بر ضد جمهوری توده ای چین بدل ساخت . همچنین با تسلط بر ژاپن و تسایح جزایر سر اشغالی آن کشور با انواع سلاحهای اتی و غیراتی بکوشید که امیرالیسم ژاپن را در نشاند خصوصیت دیرینه با خلق چین تشویق و ترغیب کند . کره جنوبی را نیز دستاورد اجرای همین سیاست تجاوزکارانه بر علیه جمهوری کمونیست کرد و جمهوری توده ای چین گردانید . یکی از هدفهای امیرالیسم آمریکا در تعدادی

بر جمهوری کمونیست و تمام رفته انگیزها و جنگهای جنایتکارانه وی در سراسر هند و چین مسلماً تهدید مرزهای جنوبی جمهوری توده ای چین بود . امیرالیسم آمریکا در اجرای سیاست خود مبنی بر نفوذ ساختن جمهوری توده ای چین به بیش از بیست و سه سال تلاش کرد که مقام جمهوری توده ای چین را در سازمان ملل از وی بریاید . و آنگاه که دولت اتحاد جماهیر شوروی به روی نویسیسم و ضد انقلاب گرائید امیرالیسم آمریکا عهد سبب مختمی در اعطای دشمنی با جمهوری توده ای چین یافت . در سال ۱۹۶۲ دولت بوزاری توسعه طلب هند با پشتیبانی امیرالیسم آمریکا و تشویق رویزیو نیسم شوروی گستاخانه بر جمهوری توده ای چین حمله ور شد و تا از جانب ارتش توده ای چین تنبیه شایسته ندید بر جای خود نشست . در سال ۱۹۶۹ روی نویستیهای شوروی در دنبال سیاست استعتراتی رویانها در سمت زود خانه آسیایی در برز جمهوری توده ای چین به فتنه انگیزی و تجاوز دست زدند . سپس در سراسر منفرود ساختن جمهوری توده ای چین با استقبال امیرالیسم آمریکا شتافته طرح پیمان امنیت جمعی آسیا را که چیز دیگری جز کشیدن دیوار خصومت بر گرد جمهوری توده ای چین نیست به پیش آوردند . آماده نگاه داشتن ارتش در مرزهای شمالی چین و توسل به بانورها نظامی در مجاورت مغولستان داخلی و سین کیانگ و غیره ، تعدادی از دانش خطونک سوسیالیستهای امیرالیستیهای شوروی بر پایه جمهوری توده ای چین است . اما بیست و سه سال حیات پرافتخار جمهوری توده ای چین گواه پیروزی در خشان او بر دشمن امیرالیستی و سوسیالیست سال امیرالیستی است . جمهوری توده ای چین علی رغم تشیبات ، بانورها و تهدیدهای امیرالیسم آمریکا در مقام خویش در سازمان ملل متکلم شد . دورانی که هنوز همیشه جنمتری توده ای چین را ندیده گرفت شهری گرد بوزاریس جمهور آمریکا تحت فشار عظمت جمهوری توده ای چین و افکار عمومی جهان ، تحت فشار دشواریهای علاج ناپذیر اقتصادی و سیاسی آمریکا ، تحت فشار شکستهای بی بقید صفحه ۲

یک « انقلاب » دیگر

شاه ایران از حدود " انقلاب " گامی پائین تر نمیگذارد او هوادار " انقلاب " در پی " است . هرکاری که فرمان می دهد ، کار " انقلابی " است . " انقلابات " شاهانه طرف ده ساله اخیر کم کم آنقدر زیاد میشوند که به شمارش در نمیآید ! فروش سهام کارخانه های کشور به کارگران " انقلاب " دیگریست که بر " انقلابات " وی افزوده میشود . او در نطق خود در کنگره بین المللی کار اقام خود را اینگونه ارزیابی میکند : " در این مورد ما به اقدامی دست زدیم که از نظر تائین منافع طبقه کارگر جنبه کاملاً انقلابی دارد و نمونه آن تضمینی است که در سه هفته پیش در باره فروش قسمتی از سهام کارخانه ها در وهله اول به کارگران و سپس به سایر مردم اتخاذ شد . این با خصوصیات و شرایط اجتماعی رشد در کشورهای جهان سوم و منجمله کشور ما کاملاً سازگاری دارد زیرا اگر قرار باشد الگو های غربی را در رابطه کار و سرمایه بپذیریم و بحرانهای ناشی از آن روابط را بحساب رکود و توقف اقتصاد جامعه جبران کنیم بجای جبران عقب ماندگی خویش برآن خواهیم افزود . " بدین ترتیب شاه به اقدام " کاملاً انقلابی " دیگری دست زده است و شجرت اینکه " جنبه کاملاً انقلابی " آن " از نظر تائین منافع طبقه کارگر " است ! حالا فروش سهام کارخانه ها ، کیا با منافع طبقه کارگر ارتباط دارد و چگونه منافع این طبقه را تائین میکند یا او متوسط نیست و باید در همه جا و در هر جا عنان اختیار را بدست تبلیغات دروغ بسیار و شاید افکبان جهانی را بفریند . اما اگر او حیوانست از احساسات درونی مستمعین خود باخبر گردان آنگاه میدید که چگونه آنها به ریش او قوی نشسته نطق او میخندند ! اما این هنوز تمام نیست . تصور نبود که " انقلابات " شاهانه در جهان مسبوق سوز سابقه است و یا از " الگو های غربی " گرفته شده است نه ، این " انقلابات " همه تیراوش " نبوغ " شخص شاه ، محصول فکر بکر طوکانه است . " اصلاحات ارضی " او که سابقاً تقریباً بهمان صورت در عده ای از کشورهای

و از آنجمله در کشور همسایه ما پاکستان انجام شد گویا الگوی خارجی نیست و از مغز پوسیده او بیرون بریده است و سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها که سالهاست در کشور های سرمایه داری برای تشدید استثمار طبقه کارگر علی ساحت ختفاند گویا محصول فکر بکر او است و این فروش سهام کارخانه ها در وهله اول به کارگران و سپس به مردم نیز که مدتهاست در کشورهای صنعتی برای فریب توده های مردم و بویژه کارگران بکار بسته و میبندند گویا ارمغان ینگی دنیا و ینگی دنیاینها نیست ، از تظاهرات فکر بکر محمد رضاشاه است ! همین که فکر بکر طوکانه محصول " انقلابی " خود را بیرون ریخت ، بلافاصله تمام چرخهای دولتی بحرکت درآمد تا بسد آن جاسه عمل بهوشانند و از آنجمله اینکه وزرای اقتصاد و کارو صاحبان صنایع کشور را احضار کردند تا " فرمایشات طوکانه " را به اطلاع آنها برسانند ، یعنی به آنها بچمانند که مقابلهت در برابر رای شاه عواقب خوشی ندارد و ما شاهد نمونه های نظیر آن در برگزاری جشن های دوهزار و نصد ساله بود ایم . وزیر اقتصاد در همین جلسه گفت : " بدیهی است با توجه به اظهار علاقه مدوایی که از طرف صاحبان صنایع کشور به شرکت در این برنامه بزرگ ملکی نشان داده شد و میشود ، در حالیکه هیچ علاقه ای از جانب صاحبان صنایع نسبت به این برنامه نشان داده نشد و آنها را لائق در حرف به اینکار مجبور کرد هاند . تهران اکنون بیست و نواخت این مطلب را تائید میکند : " این کار مهم تا آنجا که میسر است بدست مردم و بدون دخالت دولت صورت پذیرد (چیزی که امکان پذیر نیست - توفان) ، اگر بوزر اوراق بهادار بتواند این وظیفه را در مورد یک کارخانه بخوبی انجام دهد مطمئن باشید که دعوت صاحبان صنایع تودری نخواهد داشت زیرا آنها خود داوطلب خواهند گردید " (شماره ۱۴۱ - بقید صفحه ۲

توجه داشته باشید که شماره حساب بانکی ما عوض شده است . به اعلان صفحه ۳ مراجعه فرمائید .

بقید صفحه ۲

سرنگون باد رژیم محمد رضاشاهی

سرمایه‌تانک... بقیمای صفحه ۱ در پی بند آکره با جمهوری توده ای چین روی آورد... بین جمهوری توده ای چین و...
 و... ای از کشورهای بزرگ سرمایه داری، و اخیراً ژاپن، و...
 و... کبیری از کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین روابط دیپلماتیک برقرار شد... تعداد کشورهاییکه دارو دسته جیا-
 نکایشک را در تنهایی رها کردند سرعت رو بغزونی نهاد و دور نمای حل مسئله تایوان نزدیک گشت... در تنهایی از منطقه جنوب شرقی آسیا که حلقه‌هایی از زنجیر محاصره جبهه ری توده ای چین را تشکیل میدادند بناچار با استقرار روابط با جمهوری توده ای چین شتافتند... آنکه در انفراد مانند جمهوری توده ای چین نبود بلکه امپریالیستها و سوسیالیسم-پالیستها و دولتهای دست نشانده آنها نظیر هند بودند...
 این پیروزی‌های جمهوری توده ای چین متعلق به همه خلقهای جهان است... نزدیکی... جمهوری توده ای چین بدولتها امکانات جدیدی میدهد که خود را از قبیل فرمانروائی امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی برهانند... بر قراری روابط دیپلماتیک با ژاپن از یک سو تضاد را بین را با امپریالیسم آمریکا تشدید میکند و به ژاپن امکان مقاومت بیشتر در برابر آمریکا میدهد و از سوی دیگر مسائل-سوال امپریالیستهای شوروی را که در توطئه اتحاد با امپریالیسم ژاپن بر علیه جمهوری توده ای چین هستند از پایه دست میبرد... جمهوری توده ای چین...
 دست چنانکایشک لطمه ای بر سیاست امپریالیسم آمریکا در اجرای سیاست "یک چین و یک تایوان" است... هر ضربه ای که سلطه امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم-پالیسم شوروی را بر دولتهای دیگر سست گرداند و تضاد بین این دو دشمن بزرگ خلق‌های گیتی را تشدید کند گامی است در راه تقویت جبهه ضد امپریالیستی جهانی...
 جمهوری توده ای چین این پیروزی‌ها را در اثر وفاداری به مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون تحکیم دیدگاه تئوری پرولتاریا، ساختمان درخشان سوسیالیسم، تعقیب انتقام ناسیونالیسم پرولتاری و دفاع از مبارزات خلقهای جهان بدست آورده است... هنوز بیش از یکسال از تأسیس جمهوری توده ای چین نگذشته بود که دواطلبان چینی بیاری برا دران کرهای خود شتافتند و در جنگ بر علیه امپریالیسم آمریکا دهها هزار کشته دادند... اولین دولتی که بمباران الجزایر در جنگ بر علیه امپریالیسم فرانسه کک رسانید جمهوری توده ای چین بود و این کار موقعی صورت گرفت که روزیونیه‌ستهای شوروی جنگ مقاومت خلق الجزایر را مورد اخلی دولت فرانسه تلقی میکردند... در مورد نهضت نجات بخش فلسطین و نهضت نجات بخش ظفار نیز جمهوری توده ای چین چنین عمل کرد... در جنگ قهرمانانه خلق ویتنام و سایر خلقهای هند و چین بر علیه امپریالیسم آمریکا، جمهوری توده ای چین بصورت پشت جبهه پهناور و مطمئن این خلقها درآمده است... کک چین توده ای بخلقهای ویتنام، کامبوج و لائوس از همه حیث بیدریغ است و بمنظور تأمین پیروزی قطعی آنها بر امپریالیسم آمریکا عملی می‌شود... و این کار در حالتی صورت میگیرد که سوسیالیسم-پالیسمهای شوروی روس و رومانیه ای نسبت به جنگ قهرمانانه خلق ویتنام دارند و هنوز از دولت دست نشانده لون نول دست نکشیده اند... چگونه ممکن است کسی دوست خلقهای هند و چین و هوادار جنگ عادلانه آنها باشد و در عین حال به عامل امپریالیسم آمریکا و آلت جنگ تجاوزکارانهی دست دوستی بد جمهوری توده ای چین در طول بیست و سه سال نشان داده است که یار و پشتیبان کبیه مبارزاتی است که بدست خلقهای جهان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع درگیر شود... هم اکنون صدای جمهوری توده ای چین در سازمان ملل صدای خلقهای ستمدیده و شیفته آزادی است... آنچه امید و مهر خلقهای جهان را متوجه جمهوری توده ای چین میسازد این منظره عمومی و کلی سیاست داخلی و خارجی اوست، منظرهای روشن و تابناک...
 ما برای جمهوری توده ای چین پیروزی‌های روز افزون آرزو مندیم... ما بمناسبت بیست و سومین سالگرد انقلاب کبیر اکبر چین و تأسیس جمهوری توده ای چین به خلق چین، حزب کمونیست چین و به رهبر بزرگ چین، آموزگار پرلتاریای جهان رفیق مائوتسه دون درود میفرستیم.

یک انقلاب... بقیمای صفحه ۱ مورخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۱ (در حالیکه اکنون بزور "دواطلب" شده‌اند و نومن-های اینچنین "دواطلبی" در کشور شاهنشاهی فراوان است) اگر شاه در برابر کنفرانس بین‌المللی کار اقدام خود را "از نظر تامین منافع کارگر" "انقلابی" خواند وزیر اقتصاد در جمع سرمایه‌داران که هرگونه منفعت کارگر بزبان آنهاست نمیتوانست اقدام را مانند "ولینخت" خود توجیه کند... چون سرمایه‌دار همیشه در این اندیشه است که هرچه بیشتر کارگر بدزدد، هرچه بیشتر او را بکار بگیرد و استثمار کند... او نمی‌تواند دست به اقدامی زند که بسود کارگر و در نتیجه بزبان او است بخصوص در اوضاع و احوالی و در کشوری که کارگر از هر گونه دفاع از حقوق و منافع خویش محروم است... وزیر اقتصادنا... گزیر هدف واقعی این برنامه "انقلابی" را آنطور که هست در برابر سرمایه‌داران گذاشت است... هدفهای این برنامه عبارتند از:
 ۱- سهم شدن هرچه بیشتر مردم در مالکیت واحد های صنعتی کشور با رعایت حق تقدم برای کارگران و کارمندان
 ۲- ایجاد شرایط و انگیزه‌هایی که بیش از پیش مشوق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی باشد...
 ۳- توسعه بازار سرمایه بمنظور تامین منابع مالی مورد نیاز برای گسترش سریع صنایع تا مقیاس جهانی...
 می‌بینید که در اینجا صحبت از اقدامی "انقلابی" در زمینه منافع طبقه کارگر نیست... صحبت بر سر اینست که سرمایه‌های بزرگتری در اختیار صاحبان صنایع داخلی و خارجی گذاشته شود رضائی سرمایه‌دار بزرگ ایرانی یکی از پایه‌های سرمایه‌های امپریالیستی در ایران در یکی از صحبت‌های خود هدف این اقدام را باز هم عربانه‌تر نشان داده است... بنظر او "پیشرفت صنعت بدون سرمایه‌گذاری امکان ندارد... و بالاخره سرمایه‌گذار ری احتیاج به تجهیز پیماندها دارد... اما درباره پیماندها از که بانکها با دادن جواز مردم را تشویق به پیماندها می‌کنند و این پیماندها توسط بانکها در اختیار صاحبان صنایع قرار می‌گیرد... حالا با برنامه‌هایی که برای فروش سهام تهیه شده مستقیماً در اختیار صنایع قرار می‌گیرد... البته رضائی در اینکه این برنامه بتواند خوب پیاده شود و نتیجه بخش باشد اظهار تردید کرده است (تهران اکونومیست: شماره ۹۴۵ مورخ ۲۴ تیرماه ۱۳۵۱).
 می‌بینید که در اینجا سخنی از طبقه کارگر و منافع آن در میان نیست... این شخص از سرمایه‌داران بزرگ کشور ما است که سرمایه او با سرمایه‌های امپریالیستی در آمیخته است و طبیعی است که در صحبت خود عنان اختیار را بدست غیره سرمایه‌دار خود داده است که در آن جایی برای کارگر نیست... اکنون روشن است که فروش سهام کارخانه... بخاطر آنست که پول مردم از آنجمله عده از سرمایه‌داران کوچک در اختیار سرمایه‌داران بزرگ داخلی و خارجی گذاشته شود و سرمایه‌های کلان تری در اختیار آنان قرار گیرد تا بتوانند به مقیاس وسیعتری با استثمار توده‌های زحمتکش بپردازند... اینکار تاکنون از راه جمع‌آوری پیماندهای مردم منتها با میانجیگری بانکها عملی می‌شود ولی اکنون از طریق فروش سهام و وساطت بانک دیگر ضروری نیست و پول مردم مستقیماً بدست سرمایه‌داران می‌فروشد سهام کارخانه‌ها به مردم... در آمریکا سابقه طولانی دارد و در نیمه دوم قرن گذشته گسترش وسیعی یافت... هدف آن نیز تحصیل سرمایه‌های کلان برای سرمایه‌گذاری در شعبی است که به سرمایه‌های بزرگ نیازمندند... این نیرنگ سرمایه‌داران امکان میدهد که از پول سرمایه‌داران کوچکتریا حتی تعداد زیادی از مردم برای خود سرمایه بسازند... آنرا بکار اندازند و استفاده ببرند و سهم ناچیزی از آن را نیز هرساله بعنوان بهره بهر یک از صاحبان سهام واگذارند... فروش سهام کارخانه‌ها علی‌الاصول بمنظور تراکم و تمرکز سرمایه‌هاست... فروش سهام کارخانه‌ها اقدامی است بسود سرمایه‌داران بزرگ و از شاه هم که خود یکی از آنها و نماینده سرمایه‌داران بزرگ داخلی و خارجی... چیز این انتظار نمیتوان داشت... اما شاهکار بلاهت او در اینست که اقدام بسود سرمایه‌داران در نیای امروز، می‌خواهد قدمی در راه تامین منافع طبقه کارگر جلوه در مورد کشور ما باید گفت که اکثریت قریب به اتفاق کارگران و دهقانان با درآمد ناچیزی روزگار می‌گذرانند و مطلقاً

انفراد... بقیمای صفحه ۱ ارتش‌ها در شد و تنزل مقام افسران خاطی... رابه افسران بالا دست آنها...
 - واگذار کرد گواه روشنی از بی اعتمادی رژیم به سرنیزه‌های خویش بود و اینک نطق عجیب وزیر کشور خطاب بکارمندان دلیل جریانات نامرئی است که در میان آنها میگردد... عین این نطق چنین است: "کارمندان باید... کبیه کارها را که در ساعات اداری انجام میدهند یادداشت کرده به قسمت مربوطه تسلیم دارند... در این یادداشتها کارمندان باید حتی تلفن‌هاییکه به منزل میکنند و یا از منزل به آنها میشود و یا جای مینوشند و یا میهمان یا دوستی جهت دیدار آنها بو زارتخانه میاید یادداشت کرده بمن گزارش کار خود به قسمت مربوطه تسلیم کنند (کبهان ۲۸ شهریور ۱۳۵۱)... هدف این دستور که روی "تقتیر عقاید" قرون وسطائی را سفید میکند کامل روشن است: دولت میخواهد که هرروزه هر ساعت و هر نفس کارمندان را تحت نظارت در آورد زیرا که او از هر روز، هر ساعت و هر نفس مردم ترس دارد... اینک شهر بانی اعلانات تهدید آمیز در روزنامه‌ها منتشر میسازد ماده قانونی برخ میکند که مردم هرگز نباید با مبارزان مسلح... قبول و قبول روزه‌یونیه‌ستهای خرابکاران... همکاری کنند و برای دستگیری این مبارزان جایزه‌های گران میگردد... دلیل مغرور بودن پلیس و ترسوی از توده مردم است... این اقدامات نزدیک به بیانه رژیم... که هر رژیم بوسیدهای بناچار بنظائر آنها توسل میجوید... بدون تردید موجبوا- مت وضعی خواهد شد که رژیم در صدد علاج آنست... کار- مندی که باید جای خوردن خود را هم گزارش دهد و تلفن زن و فرزندش را هم بعرض برساند... افسر جزئی که سرنوشتش بهیکاره دستخوش هوی و هوس رئیس است... کارگری که هرروزه با پوشیدوزان خود را مانند خار در چشم خود میبیند و هر مطالبه حقی برای او بقیمت اخراج و حبس و کشتار تمام میشود... در عتائیکه بار کمرشکن فقر او در اثر اختناق محیط کمرشکن تر شده است جز اینکه بسوی مقاومت، بسوی مقاومت قهر آمیز روی آورد راه دیگری ندارند... این واقعیت برای انقلابیون ایران نوید بخش است و بما وظیفه میدهد که با جسارت بیشتر... و البته با هشجاری کامل و در هر مورد مشخص با محاسبه نیروی دشمن... بخلق روی آوریم و تشک و مبارزه انقلابی را در زیر رهبری طبقه کارگر تارک ببینیم...
 قدرت خرید سهام را ندارند و اگر بفرصت معدودی از آنها هم کدست مزید بیشتری دریافت میکنند سهمی از سهام کارخانه را بدست آورند آنچه که در سال عایدشان خواهد شد آنقدر نا- چیز است که بگذر آن هم نیارند... اگر در میان پولداران و بخش از طبقات متوسط عدای به امید دریافت جوائز... پس- انداز خود را به بانکها میسپارند... در خرید سهام کارخانه ها که سود سالیانه آنها ناچیز و در شرایط ایران نامطمئن است به احتمال قوی رغبتی از خود نشان نخواهند داد... در اینجا هدف این اقدام جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک است و تید- یل آنها به سرمایه بزرگ و کشاندن سرمایه‌داران کوچک در اثر سرمایه‌داران بزرگ داخلی و خارجی...
 این اقدام رژیم مانند سایر اقدامات "انقلابی" آن نتیجه دستگیری ببار نخواهد آورد... رضائی سرمایه‌دار ح- دارد وقتی در نتایج حاصل از این اقدام تردید میکند... هم اکنون صاحبان کارخانه‌ها را وادار کرد فاند علی‌رغم میل درونی خود و در حرف لااقل یک سوم سهام کارخانه خود را بفروشند لابد عدای را هم وادار خواهند کرد سهامی از این کارخانه ها بخرند ولی امور مملکت و از آنجمله اقتصاد مملکتی را هرگز نمیتوان با اعمال زور برسانجامی رسانید همانطور که نمیتوان بسازوهر بریک ملت سوسیالیستی حکومت کرد... شما یک نگاه به نتایج "انقلابیات" دیگر شاه بیاندازید تا نتیجه این "اقدام انقلابی" او را نیز از هم اکنون دریابید... اگر دهقانان ایران زمین گرفتند... اگر زنان ایران آزاد شدند... اگر مردم ایران از بی سوا- دی بیرون آمدند... اگر دهقانان از فقر و گرسنگی رستند و دارای بهداشت و مسکن ترین وسایل زندگی گردیدند... اگر... این اقدام شاه هم اثری خوا- هتد بخشید...

با اشتباهی... بقیه از صفحه ۴
زندانی اوین در مورد مواجهه با پلیس مینویسد: "در مواجهه با پلیس اگر تمام گروه لورفته باشد اصل آنست که پلیس تا جایی که ممکن است هرچه کمتر بداند و این تنها به خاطر تخفیف مکانات خود یا جمع بلکه بخاطر جلوگیری از افزایش آگاهی پلیس بر شیوه‌های گوناگون مبارزه مخفی است. در روز بین گرفتاری و آغاز بازجویی و قبل از آنکه بازجویی به مراحل حساس برسد عملاً و غالباً فرصت زیادی خواهیم داشت، فرصتی که اگر بر عصاب خود مسلط باشیم، اگر دادها سیمای شجاعانه و غیرتندانه همزنجیری را که در دهنه‌های دیگر پایداری میکند و در میانشان باید دورانی را بسرآرم در نظر داشته باشیم، اگر تصاویر ذهنی تپیک خلق محروم و مظلومی را که با ورود مبارزه، بهرحال از نظر اخلاقی نیز در قبالشان مسئولیت می‌بشمارد، گرفته‌ایم در افق خیالمان زنده نگه داریم، اگر کینه‌جویی بدشمن و تنفر از بیدارگر گوهر روحی گرانقدر و بس‌زیبا است و ما این زیبایی را ناتمام روحمان در دست نگذاریم. و بالاخره اگر بد عاقبت مقتضای آنست که در نتیجه، ابراز ضعف تا آخر عمر همزمان خواهد بود. بیاندیشیم، قدرتی در خود خواهیم یافت که رفتاری شرافتمندانه و عاقلانه حاصل آن تواند بود. روزی از کارگر ساده شرافتمندی که در بازجویی برخمردی پس غیرتندانه و مقاوم نشان داده است پرسیدم در دوران مقاومت به چه فکر میکرد، وجه انگیزهای سبب آن رفتار بوده است. پاسخی اینچنین ساده داد: "با پا، بالاخره این عالم، آدم می‌شود. آدم چطور میتونه بعدش تو قهرصونه و کارخونه و در هر مسابده چشم تو چشم رفتاش بندازه؟ زن و بچه آدم که گناهی نکردند که همیشه سرشان پائین باشه..."

زندانی اوین در پایان یادداشت‌های خود نکته بسیار ارزنده‌ای را نیز مورد لزوم وحدت‌گامی نیروهای ضد رژیم متذکر میشود و مینویسد: "زندانیان" از جهت عقاید و مسلک نیستند همه یک تیپ و یک دست نیستند. و میتوان زندانیان سیاسی فعلی را به دو تیپ عمده تقسیم کرد: مارکسیست‌ها و همدیون... ولی نکته جالب اینست که با اینهمه اختلاف نظر، همه مذهبی و غیرمذهبی سخت بهم احترام گذاشته و با هم جوش میخورند... همه متفق‌القول‌اند که وجه مشخصه مخالفت با دستگاه استبداد و نوکران امپریالیسم است و همین بساری متحد بودن و بیاری هم برخاستن کافی است. اگر متأسفانه تاکنون در خارج از زندان جنبه واحد رسمی ضد استبداد و ضد امپریالیستی بوجود نیامده است، مثل آنست که مبارزین واقعی در ایران، گو اینکه باهم ارتباطی ندارند، ولی در عمل چنین جنبه‌های بوجود آورده‌اند. اعلامیه‌های ضد دستگاه، هر مرجع و از هر پایگاه فکری که باشد بدست هر کس و هر گروه که افتاد، بدون توجه به اختلاف نظر اساسی فیما بین، همبسته در تکمیل و توزیع آن میکوشد، و همین روحیه اتحاد و همکاری و احترام متقابل نیز بزندانیان منتقل شده است و هزار افسوس که در خارج از زندان محلت پراکنده، آنطور که شایسته و بایسته است، از چنین روحیه موجود در سنگرها استفاده نشده و وحدتی لازم بوجود نیامده است..."

بازار مواد مخدر در آمریکا
"مبلغ معاملات بازار مواد مخدر در آمریکا (آمریکا) مالیات بر ۵ میلیارد دلار بالغ میگردد و آمارهای رسمی نشان میدهد که ۶۰ هزار نفر معتاد به مواد مخدر در آمریکا وجود دارند یعنی ده برابر سال ۱۹۶۰. اگر چه آزادی قاچاق، جیان و یا سرمایه‌گستاری که در این راه پول میگذازند در معرض خطر زیان باشد باز چنین بسازی ما این آسانس برچسبیده نخواهد شد..."

روزنامه لوئیس ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۲

تصحیح
از خوانندگان گرامی که "سه رساله از استالین" را دارند خواهش میشود به تصحیح زیرین توجه کنند: در بخش: "درباره مسائل لنینیسم" صفحه ۲۱ یک کلمه افتاده است و باید چنین باشد: "همه نیروی خود را که در اثر ساختمان اقتصادی جامعه سرمایه‌داری..."

در باره شکل‌های... بقیه از صفحه ۴ نه در حرف می‌تواند با پلیس به مبارزه برخیزد، القبا است. خجالت‌آور است که در صدر اثبات این امر برآیم. لنین میگوید فقط کسانی که چشم بر واقعیت بسته‌اند میتوانند مدعی شوند که "سربازها میتوانند استبداد را از دست توده‌ها نجات دهند. پلیس میتواند استبداد را از دست سازمانهای انقلابی نجات دهد ولی هیچ چیز از دست اشخاص منفرد یکدیگر در نیال‌وزرا هستند نجات نمیداد!!"

لنین میگوید: "همانطور که ما بارها نشان دادیم اشتباه مذکور در عدم نظر اساسی نهضت ماست. در اثر رشد فوق‌العاده سریع نهضت، رهبران از توده‌ها عقب مانده‌اند. سازمان‌های انقلابی به درجه فعالیت انقلابی برلناریان رسیده‌اند و نمیتوانند جلو بروند و توده‌ها را رهبری کنند. هیچ فرد صدیقی که اندکی با نهضت آشنا باشد در این امر تردید نمیکند که چنین تا هم آهنگ بوجود آمده است. لنین تروریست‌ها را اکتونویست‌های واقعی میدانند. (اگر نویست‌ها طرفدار جنبش خود جوش بودند. معتقد بودند که باید توده‌ها را بخود واگذار کرد. تروریست‌ها میگفتند باید توده‌ها را با عملیات تروریستی برانگیخت. ظاهراً این دو جور بیان از دو نقطه مقابل بر میخاستند ولی در واقع ماهیت واحدی داشتند که عبارت بود از نفی تئوری انقلابی نفی مارکسیسم، نفی سوسیالیسم علمی. لنین میگوید: "در این موقع، نیرو و وسائل انقلابیون برای رهبری توده‌ها را باخاستم است دعوت به ترور و ترتیب تولد بر ضد وزیران بونپله اشخاص منفرد و محافظی که هم‌دیگر را نفی شناسند بخود خود نسه. فقط بمعنای جد شدن از کار در توده‌هاست بلکه از هم با شاندن مستقیم آنهاست..."

در اعلامیه گفته شده بود: "هریک از دوئل‌های قهرمانان روح مبارزه و دلیری را در یک‌گام ما بیدار میکند. لنین پاسخ میدهد: "ولی از گذشته میدانیم هم اکثری میبینیم که فقط شکنجای جنبش جدید توده‌ها و یا گرایش‌گسترهای جدید توده مبارزه مستقل خویش روح مبارزه و دلیری را در همه بیدار میکند. دوئل تروریست‌ها، همانا از اینجهت که بصورت دوئل باقی میماند، اول موجب جنجال زودگذر ولی بعداً موجب رکود و خمودگی میشود..."

لنین این نظر را که "هر صاعقه ترور به عقل‌ها روشنی میبخشد" رد میکند و مینویسد: "برای ما تئوری کار بزرگ و کوچک را هدیه آورده‌اند و میگویند: "کسی که قدرت بیشتر دارد امکان بیشتر و عزم راسخ‌تر دارد. باید بکار کوچک‌تاعت ننگد، در جستجوی کار بزرگ یعنی تبلیغ ترور در میان توده‌ها. تدرک اقدامات تروریستی بفرنج... باشد و خود را مصروف آن کند... لنین طعنه میزند که واقعا عجب عاقلان اشتک زندگانی یک فرد انقلابی را فدای کیم تا از ناکسی انتقام بگیریم و تا کس دیگری بر جای او بنشیند و این کار بزرگی است. اما ملاحظه می‌کنیم که برای تظاهرات مسلحانه کار کوچکی است..."

در نشریه سوسیالیست‌های انقلابی طعنه زنان نوشته شده بود: "درباره تظاهرات مسلحانه" بمنزله امزی که مربوط به آینده دور نا مشخصی است به آسانی میتوان چیز نوشت و حرف زد" ولی همه این گفته‌ها جنبه تئوریک داشته‌است... لنین مینویسد که این بیان مگوش ما آشنا است. بیان کناسنیست که از تئوری سوسیالیستی بدورند و تجارب نهضت توده‌ها را به هیچ میگیرند. آنها میدانند که اگر نتیجه کار محسوس بر سر رود اثبات‌کننده‌ای صورت نگرفته است. "در نظر آنها مطالبه پایداری در نظریه طبقاتی و توجه داشتن به خصلت توده‌ها جنبش "تئوری‌بانی" نامشخص" بشمار می‌آید "سوسیال دموکراسی پیوسته از آوانتوریسم بر حذر میداد و بندارهایی را که مسلماً به نوبدی کامل منتهن خواهد شد بهیرحمانه افشا میکند. ما باید بخاطر داشته باشیم که حزب انقلابی فقط آنگاه شایسته نام خویش خواهد بود که نهضت طبقه انقلابی را عملاً رهبری کند. ما باید بخاطر داشته باشیم که هر جنبش توده‌ای شکل‌های بینهایت متنوعی پیدا میکند، پیوسته شکل‌های تازه‌ای بوجود می‌آورد و شک‌های کهنه را بدور میریزد. تغییرات و یا تلفیقات جدیدی از شکل‌های نو کهنه می‌آیند. و تأیید ماست که فعالان در این جریان اینجا

وضع وخیم... بقیه از صفحه ۴ ۸ درصد هم بیشتر باشد. بازهم از تهران اکتونویست: "وضع کشاورزی نشان میدهد که اعتبارات بخش مذکور در برنامه چهارم بیش از ۲۰ برابر برنامه اول شده است در حالیکه رشد این بخش همیشه بین ۱ تا ۳ درصد بود مینا بر این بازدهی این بخش بالا نرفته‌است؟ در اینجا باید توجه داشت که با وجودی که اعتبارات بخش کشاورزی ۲۰ برابر بالا رفته است رشد این بخش از رشد سالیانه جمعیت کشور پائین تر است (البته در سالهاییکه اصولا رشدی وجود داشته است) . بنابراین تولید سزانه کشاورزی ایران پیوسته کاهش یافته است. مردم ایران بخصوص کشاورزان هر سال کمتر از سال گذشته غذا میخورند. بیپوده نیست که قیمت مواد غذایی پیوسته رو به بالا رفتن است. از آنجا که ثروتمندان، یعنی طبقات حاکمه ایران نسبت به گذشته درآمد بیشتری دارند و بخش نسبتاً بیشتری از مواد غذایی را جذب مینمایند، افزایش نسبی گرسنگی در میان طبقات زحمتکش از آنچه اعداد متوسط نشان میدهد نیز بیشتر است. افزایش اعتبارات کشاورزی فقط بازده کار کشاورزی را بر اراضی مالکین سابق و سرمایه‌گذاران کشاورزی (خارجی و داخلی) بالا برده است. بنابراین نوشته "مجله دهقان روز" (۴ تیر ۱۳۵۱) : "طبق گزارش منتشر شده، کارهای تولید در بخش کشاورزی ایران بسیار پائین است. مثلا با اینکه هدف برنامه چهارم یک رشد کشاورزی برابر ۴/۴ درصد در سال میباشد ولی عملکرد سال ۱۳۴۸ حدود ۱/۸ درصد بوده است. در سالهای گذشته نیز بخش کشاورزی کمترین رشد را میان بخش‌های اقتصادی حائز بوده است و با اینکه دوسوم جمعیت و دوسوم نیروی کار در کشاورزی متمرکز است، فقط ۲۳ درصد درآمد ناخالص ملی از راه کشاورزی بدست آمده‌است" این اسناد همگی از آمار دولتی گرفته شده است که درصد سرپرش گذاشتن بر ورشکستگی اقتصادی دولت است واقعیت کشاورزی ایران مسلماً از این هم تلخ‌تر و فاش‌کننده‌تر است. آیا با وجود این میتوان "اصلاحات ارضی رژیم را مثبت بحال مردم زحمتکش ایران دانست؟

بنظر ما علی‌رغم تمام مانورهای خائنانه رژیم کمونستان انقلاب ارضی که زمین‌های مالکان بزرگ ایران را (از آنجمله زمینهای را که پس از "اصلاحات" شاه در اختیار سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی گذاشته شده است) بطور رایگان در اختیار دهقانان ایرانی قرار دهد، در دستور کار نیروهای انقلابی است، انقلابی که بدست دهقانان ایرانی و بکله سایر زحمتکشان ایران و نیروهای مترقی تحت رهبری طبقه کارگر انجام بگیرد، نه مانند "اصلاحات ارضی" رژیم محمدرضاشاه که بنا بر ابتکار امپریالیسم آمریکا و بدست بزرگترین زمین‌داران و زمین‌خواران ایران انجام گرفت.

شیوه‌ها و وسائل مبارزه شرکت جوشم... آناه لنین مواضع سوسیال دموکراتهای روسیه را درمبارزه‌ها زود توده‌ها روشن میکردند و میگوید: "ما بدون آنکه هیچ گاه اصل قهر و ترور را نفی کنیم خواهان آن بودیم که در راه تدارک چنان شکل‌هایی از قهر فعالیت شود که بر پایه شرکت مستقیم توده‌ها قرار دارد و تا همین گنده این شرکت است. ما د شواری این وظیفه را از نظر دور نمیداریم. اما با عزم راسخ و مصرا نه در راه آن خواهیم کوشید. و از اعتراض‌های اینک این کار" آینده دور نامشخص است شوش نمیشوم..."

(۱) - اشاره است به تروریست‌ها که اصل قهر از صحنه خارج میشوند و گویا پلیس قادر به پیگرد آنها نیست. توفان

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D ADDA/ITALY
توجه بفرمائید که شماره حساب بانکی ما عوض شده است. شماره حساب بانکی کونی ما چنین است:
X GIOVANNA GRONDA
CONTÓ 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده‌ای خلق فلسطین

وضع وخیم روستائیان ایران

مبلغین رژیم کودتا چنین تبلیغ میکردند که "اصلاحات ارضی شاه دهقانان ایران را از بند اسارت، از زندگس قرون وسطایی، از جهل و عقب افتادگی رهائی خواهد بخشید کشاورزی ایران را شکوفان ساخته و از بحران بیرون خواهد آورد. نیروهای انقلابی ایران هیچگاه فریب این تبلیغات را نخوردند. واقعیت این بود که "اصلاحات ارضی" محمد رضاشاه تنها در جهت تثبیت رژیم نیمه مستعمره و نیمه فئودالی ایران صورت میگرفت، تنها بدین خاطر صورت میگرفت که بحران رژیم را منتهی سازد. امپریالیسم آمریکا در آنزمان برای حفظ وضع موجود در جهان، برای جلوگیری از جنبش های آزادی بخش در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و برای مبارزه با کمونیسم، فرمان انجام چنین اصلاحاتی را بر سرگ های زنجیری خود در این کشورها را صادر کرد. از آن جا که دهقانان در کشورهای مذکور نیروی عمده انقلاب را تشکیل میدهند، مصلحتی تمام نیروها را در جهت فریب آنان در جهت جدا نگاه داشتن آنان از صفوف انقلاب بکار انداخت از سوی دیگر سوسیال امپریالیسم شوروی نیز که در صدد سازش با امپریالیسم آمریکا بود، در مقیاس جهانی با استقبال این مانور آمریکا شتافت. بعنوان مثال در ایران تنها به کمک "اصلاحات ارضی" شاه شتافت و آنرا تقدیس کرد، بلکه روزیونست های حزب توده ایران را نیز بر آن داشت که این "اصلاحات" را مثبت ارزیابی کنند. روزیونست های حزب توده نقش "اصلاحات" را قبول کردند. ایراد آنها تنها این بود که این "اصلاحات" کامل نیست. بنظر آنها رفهم ارضی را "بهتر" از این هم میشد انجام داد. ولی سازمان ما و سایر نیروهای انقلابی از هیچ فرصتی برای افشای این مانورهای نواستعماری چشم پوشی نکردند. نیروهای انقلابی علی رغم روزیونست های حزب توده ایران "اصلاحات ارضی" را یک نوع حمله رژیم برای تغییر قدرت خویش میدانستند و بنابراین در صدد چانه زدن با رژیم محمد رضاشاه نبودند.

امروز واقعیت روستای ایران نشان میدهد که فقر، بیکاری و بیخانمانی دهقانان ایران بمرکت این "اصلاحات" هرچه بیشتر بالا گرفته است. میزان ورشکستگی دهقانان هیچ گاه به اندازه امروز نبوده است. اگر "اصلاحات ارضی" بسود دهقانان میبود، مسی بایستی تعداد دهقانانی که از ده فرار کرده به شهرها پناه میبردند و به اردوی بیگاران شهری میپیوندند کاهش یابد نه افزایش، مصلحتی تولید کشاورزی دهقانان افزایش یابد نه کاهش، مادر اینجا از برخی از سخنگویان رژیم کودتا شاهد میاوریم: تهران اکتونویست مینویسد: "ارزش افزوده کشاورزی ۱۲۸/۸ درصد از رقم مشابه سال قبل کمتر شد و از ۱۲۸/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ کاهش پیدا کرد. در میان اجزا گروه کشاورزی، ارزش تولیدات زراعی ۸ درصد کاهش داشت که بیش از سایر اجزا، در کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی و سهم آن در تولید خالص ملی موثر بود." (۲۴ تیر ۱۳۵۱) امروزه مرغوب ترین اراضی زراعی در اختیار سرمایهگذاران خارجی و مالکان سابق قرار دارد. بنا به گفته وزیر کشاورزی (کیهان ۱۷ مرداد ۱۳۵۱) از ۸/۲ میلیون هکتار اراضی زیر کشت ۳/۶ میلیون هکتار آبی و ۴/۶ میلیون هکتار دبی است و بخش عمده زمین های آبی در اختیار سرمایهگذاران خارجی و مالکین سابق است. تنها مالکین سابق ۱/۴ میلیون هکتار از اراضی را بصورت مکانیزه در اختیار دارند. بدیهی است که کاهش تولید زراعی در این اراضی مرغوب، آبی و مکانیزه کشاورزی را ضرر ناپذیر و بدیهی و مکانیزه نشده است که به بخشی از دهقانان ایرانی سپرده (فروخته) شده است و اگر کاهش تولید کما وزری بطور متوسط ۸ درصد است، کاهش ارزش تولید زراعی دهقانان فقیر ایرانی باید از این بقیه در صحنه ۳

یادداشت های

زندانی اوین

اثر شلاق خوردن و یا کشیده شدن ناخن های پانویزهای یکسان حرکت ندارند بدوش رفتن خود حمل و نقل میشوند. وی مینویسد: به سلول جدید منتقل شدم. "روز من به این سلول گشایش در کار بحساب آمد زیرا تا قبل از آن تنها رفیق سالم سلول، دو رفیق از یا افتاده دیگر را یکایک به کول میکشید و بزحمت به دست شوقی شان میبرد. حالا در سلول دو نفر آدم سالم وجود داشت و زحمت او نصف میشد. چهار روز بعد خود او هم از بازجویی چلاقی آمد و آن وقت من بودم که سه نفرشان را به کول میکشیدم."

زندانی اوین مینویسد: "در اینجا (در زندان) بودم که بالا ازای برخوردارم که عطمت پاییزی و در عین حال فروتنی شان رؤیای مینمود و معلمی کرد که هیچ کس تا ضعیفی در نهاد نسه داشته باشد زانو نمیزند. زندانی اوین از افراد معدود بود که دل و خود فروخته نیز یاد میکند و میگوید: "این تیب افسر راه در یک جمع سی چهل نفری بطور زحمت انگیزی تنها یاند. هیچ کس حاضر نیست با آنها هم غذا شید مگر چاره دیگری نباشد. بر سر یک سفره چهل نفری که بیست گاهه غذای دونفری نهاد شده آنها آخرین نفری هستند که بر سر آخرین گاهه میشینند و چه بسا یک گاهه را منته نفری میکنند و نیمه مانده را مستقلا جلوی او میگذارند. کمتر اتفاق میافتد کسی تن به صحبت با آنها ندهد. در هر بندی (مظنونیک که در زندان است) توفان چند دست شطرنج و تخته نرد که از خیسر نان درست شده موجود است که وسیله سرگرمی دائمی بچهها است ولی هیچکس آنها را همیازی نمیکند. یکی از این بیچارگان گاه خود کنار نختهای می نشیند و بجای بیونفتر طاس شیربخت و خود با خود بازی میکند. سهم خوراکی او را معمولاً یا جلوش میانداختند و یا برایش روی زمین میگذشتند. آنیکارا او را موسی چوبه صدا میکردند."

دقتچهای شامل یادداشت های یکی از زندانیان سیاسی به توفان رسیده است. این دفترچه در درجه اول گواه روحیه سرکش و تسلیم نشدنی جوانان میهن دوست ماست که بر تمام دستگاههای شکنجه و آدم کشی محمد رضاشاه غلبه کرده اند. در منشی شکنجه گران، ریاست مستقیم شخص شاه بر شکنجه گاهها، مقاومت مردانه مبارزان راه خلق، همبستگی آنان با یکدیگر، رهنمائی هائی درباره چگونگی سرخوردن با پلیس ایران با بیانی رسا و گیرا در این دفترچه تشریح شده است. چون سازمان توفان بزودی این دفترچه را به چاپ خواهد رسانید و در دسترس همگان خواهد گذاشت. اسامی اینجا به نقل بخشی از آن اکتفا میکنیم.

سلام برادرانه و پرشور به نویسند "یادداشت های زندانی اوین" و بهمه راد مردانی که پرچم پیکار را در زندانهای محمد رضاشاهی نیز سر بلند نگه داشته اند. زندانی اوین ضمن شرح شکنجه های وحشیانه مقاومت قهرمانانه زندانیان میرد از که با وجود پاها و پشت هائسی که از ضربات شلاق روم کرده و خونین و چرکین شده است و زخمها شاداب و خندان دارند و برادر روار زبیرال یکدیگر را میگیرند. وی مینویسد: "زندانی در حال حاضر رو به رفته محیط پر نشاط، زنده، امیدوارکننده و گرمی است و این وضع نه فقط وضع اوین، قزل قلعه و عشرت آباد باشد، تقریباً وضع زندانیان سیاسی دیگر هم همینطور است. همکاری و همدردی ارزنده بین زندانیان وجود دارد. مقام و عناوین اجتماعی و حرفه ای هیچکس موجب مزیتی بر دیگران نیست. چند استاد دانتر گاهی که در زندان ها بسر میبرند گاهی هم نوبت باشاگردان در روزشان همانطور ظرف میشوند، جابو میکنند، رخت میشوید زمین میشوند که دیگران و این وظایف را واقعا با رضیت و شوق و برخوردی برادرانه انجام میدهند. زندانی اوین شرح میدهد که چگونه زندانیانی که در

درباره شکل های مبارزه قهر آمیز

بخودی خود مین عدم درک مطلق از جنبش توده ای و بی اعتقادیت آن نیست؟ "لنین تصریح میکند که اگر هم این ادعا در باره کارگران درست بود "آنچه از آن بطور برجسته نتیجه میشد بی فایده گی نبود. زیرا که هرگونه بسی بدون خلق کارگر ناتوان است، بسیار ناتوان است." در اعلامیه نوشته شده بود: "هر ضربه تروریستی در حتم آستیکه بخشی از نیروی استبداد گرفته شود و همه این نیروی بجانب مبارزان راه آزادی انتقال یابد." اگر ترور بطور منظم انجام گیرد روشن است که بالاخره گفتر از پوست ما خواهد چربید. لنین پس از نقل این عبارات بسیار آبرو میشود که ماباپکی از بزرگترین پند ارای ترور سهریرو هستیم که تلقین میکند که قتل سیاسی بخودی خود انتقال دهنده نیرو است! در اعلامیه برسیده شده بود که "چیسه کبی را با یاز با در آورد" و جواب این پرسش از همه عجیبتر بود. جوانید از شده بود که باید وزیران را از پا در آورد، چرا؟ زیرا که اولاً تزا بلن مناسبت به اقدامات حد اکثر نیست. تعزیرت و ثانیا ضربه زدن به وزیران آسان تر است. در اعلامیه استدلال شده بود که: "استبداد بر علیه تودها سر باز دارد و بر علیه سازمان ها و انقلابی پلیس سختی و آشکار دارد ولی چه چیز میتواند او را از دست اشخاص منفرد ویا از تحالف کوچکی که هیچگاه حتی بهمد یگر غم شناخته نیستند و پیوسته به تدارک جلسه و یا بحله شغولند نجات دهد؟ هیچ نیروی نمیتواند بر علیه آنچه بدست آمدنی نیست (۱) موثر افتد. پیرو طیفه ما روشن است: معزول کردن هر زورگوی استبداد پانگانه شیوه ای که استبداد برای ما باقی گذاشته است یعنی مرگ. لنین میگوید این "تئوری" که نیروها در اثر ترور انتقال یابند و ترور تنها بدست آمدن نیستند نه فقط با تمام تجار گذشته مابیتت دارد بلکه مخالف عقل سلیم است. اینک یگانه "امید" انقلاب "تودها" هستند، اینک فقط یک سازمان انقلاب که این تودها را رهبری کند (در عطف و) بقیه در صحنه ۳

پیروزی یاد مبارزه دلیرانه خلق های هندوچین